

فرح و زاهدی



اردشیر زاهدی، پسر فضل الله زاهدی از گماشتگان هندی انگلیسی که برای اجرای قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم ایران توسط انگلیس و روس از هند به جنوب ایران فرستاده شده بود. در سال ۱۹۱۹ زمانی که طبق قرارداد وثوق الدوله امور ایران به دست انگلیس سپرده شد برای فضل الله شناسنامه ایرانی تهیه شد و در زمان به قدرت رسیدن رضا شاه توسط انگلیس و ادغام ارتش هندی انگلیسی در ارتش ایران فضل الله زاهدی تابعیت ایران را گرفت. ابتدا از لقب بصیر دیوان استفاده می کند و سپس زمان تغییر اسم ها در زمان رضا شاه تبدیل به زاهدی می گردد.

فضل الله برای اینکه اصل و نسب ایرانی بگیرد مانند پدر هویدا که فلسطینی بود، با خانواده اشرفی پیرنیا (خدیجه پیرنیا) وصلت کرد. اردشیر زاهدی در ۱۳۰۷ به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را در هند شروع می کند و در سال ۱۳۱۳ رابندرناث تاگور شاعر و استاد فلسفه هندی در آن مدرسه به او و سایر فرزندان صاحب منصبان انگلیسی تعلیم و تدریس می داد.

اردشیر زاهدی در سال ۱۳۲۵ دبیرستان اسلامی بیروت را به پایان می رساند و سپس به آمریکا فرستاده شده و پس از دو سال فوق دیپلم کشاورزی را از کالج کشاورزی ایالت « یوتا » آمریکا دریافت می کند و پس از مراجعت به ایران با نفوذ پدرش، مدرک او معادل لیسانس شناخته می شود.

وی از زمانی که در بیروت به سر می برد به واسطه پدرش با سرویسهای اطلاعاتی غربی به خصوص انتلیجنس سرویس مربوط وی گردد. او در اردیبهشت ۱۳۳۱ به همراه مرتضی امیر ارجمند (همسر آینده لیلی امیر ارجمند) به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و با توصیه انگلیس در پست معاونت و خزانه داری « کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی » در اصل ۴ ترومن قرار گرفت.

اردشیر زاهدی در سال های بعد از کودتا و صدارت پدرش در کنار او بود و پس از برکناری فضل الله زاهدی از پست صدارت و فرستادن او به ژنو به عنوان سفیر شاهنشاهی، اردشیر زاهدی با حمایت سرویس های اطلاعاتی غربی در تهران ماند و در سال ۱۳۳۵ دختر محمد رضا شاه را به نامزدی او در آوردند و در آبان ماه ۱۳۳۶ با شهنواز ازدواج کرد (البته این ازدواج با برنامه ریزی و حسادت فرح دیبا در سال ۱۳۴۳ به متارکه انجامید و حاصل آن یک دختر به نام مهناز بود).



اردشیر زاهدی پس از ازدواج با شهنواز، بیش از پیش مورد توجه دربار قرار گرفت او در اوایل سال ۱۳۳۸ به توصیه علم نماینده شاه برای رسیدگی به امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور شد و با هماهنگی انگلیس بودجه دانشجویان ایرانی را مابین مخالفان رژیم پهلوی یعنی کنفدراسیون دانشجویی قرار می داد. پس از برنامه ریزی ازدواج فرح دیبا با شاه به توصیه انگلیس (فرح دیبا در این زمان عضو حزب توده و کنفدراسیون کمونیستی دانشجویی بود) اردشیر زاهدی با حمایت فرح دیبا و علم ابتدا در اسفندماه ۱۳۳۸ به سفارت

در واشنگتن گمارده شد و پس از دو سال به دلایل حساسیت شدید دانشجویان ایرانی و واکنش آنها علیه حرکات زننده زاهدی و همچنین نارضایتی امینی نخست وزیر از توطئه های زاهدی در واشنگتن (به گزارش ساواک تاریخ ۱۳۴۰/۱۲/۱۹ : ... وجود

آقای اردشیر زاهدی به سمت سفیر کبیر ایران در آمریکا اشتباه سیاسی بوده، این امر موجب تقویت عناصر طرفداران جبهه ملی در آمریکا گردیده است ...) به تهران فرستاده می شود.

پس از عزل دکتر امینی از مقام نخست وزیری و تشکیل دولت اسدالله علم، اردشیر زاهدی در شهریورماه ۱۳۴۱ به عنوان سفیر کبیر ایران عازم لندن شد و تا سال ۱۳۴۵ در این سمت بود. وی در بهمن ماه ۱۳۴۵ با همیاری علم و فرح دیبا در دولت امیر عباس هویدا وزیر امور خارجه گردید.



پس از آتش زدن مسجد الاقصی در اورشلیم، اردشیر زاهدی که مقام وزارت امور خارجه ایران را به عهده داشت از طرف انگلیس به شاه فقید پیشنهاد کرد که برای به اصطلاح نگهداری حقوق مسلمانان جهان، یک کنفرانس اسلامی از سران کشورهای مسلمان تشکیل شود و در راستای حقوق کشورهای اسلامی و تأمین مصالح آنها به بحث و گفتگو بپردازند. این پیشنهاد مورد موافقت شاه فقید قرار گرفت و نخستین کنفرانس اسلامی با پیشنهاد ایران در شهر رباط پایتخت کشور مراکش تشکیل شد. اردشیر زاهدی نقش اصلی را برای جداسازی بحرین در زمان وزارت خود ایفا می کند.

در این زمان با دسیسه های انگلیس و مزدورانش چون علم، فرح دیبا و زاهدی سناریوی جداسازی بحرین ترسیم و اجرا می گردد.

سال های وزارت خارجه اردشیر زاهدی (بهمن ۱۳۴۵ - شهریور ۱۳۵۰) یکی از بدنام ترین دوران های تاریخ وزارت امور خارجه می باشد. پرونده وی نشان می دهد که وزارت وی و معاونش پرویز خوانساری که او نیز به همجنس بازی و هرزگی معروف بود در میان کارکنان باسابقه این وزارتخانه تنش هایی را علیه این دو سبب شده بود.

MARZEPORGOHAR.ORG
۹ فروردین ماه ۱۳۳۹
۲۱ محرم الحرام ۱۳۸۹
۲۹ مارس ۱۹۷۰
کشنه
جلسه ۱۸۲

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه (۹) فروردین ماه ۱۳۳۹

فهرست مطالب:

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
۲- تصویب صورت جلسه
۳- معرفی آقای دکتر عباسعلی خلعت بری
بسمت قائم مقام وزیر امور خارجه بوسیله آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه.

۴- گزارش آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در مورد جریان و مواجعه سازمان ملل متحد و بیانات آقایان: مهندس ارفع - رئیس سیزدهمین مجمع - تقدیم یادفکره استیضاح بوسیله آقای بزشادور از جانب گروه پارلمانی بان ابروایت - ختم جلسه.

مجلس ساعت نه وپانزده دقیقه صبح برپاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(بشروح وزیر خزانده)

غائبین با اجازه آقایان:
دکتر صدر - مهندس زنجانی - دکتر ملسکی - کریم بخش سعیدی - زرگرزاده - صائب - محدث زاده - مهندس اردلان - دکتر دافر - محسنی - مهندس اخوان رضازاده - دکتر مددی - مهندس بهرامزاده - فروتن - دکتر فریور.

غائبین بوسیله آقایان:
دکتر صفایی - فرلاند - دکتر علان طباطبائی - پاینده - دکتر رشیدی - عثمانی - دکتر دولتخواهی.

غائبین با اجازه آقایان:
مردمی -

۲- تصویب صورت جلسه
رئیس - نسبت بصورت جلسه دفعه قبل نظری نیست؟ (اظهاری نداشت) صورت جلسه قبل تصویب میشود.

۳- معرفی آقای دکتر عباسعلی خلعت بری بسمت قائم مقام وزیر امور خارجه بوسیله آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه.

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید بفرمایید.

اردشیر زاهدی (وزیر امور خارجه) - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم، تشکر میکنم از اینکه تمیلات عبدالرزاق زاهدی و بنی اخوان دادید و بمجلس تشریف آوردید.

فرلاند - ورود بموضوع اصلی جناب آقای عباسعلی خلعت بری را که بسمت قائم مقام وزیر امور خارجه منصوب

عین مذاکرات مشروح و یکصد و هشتاد و دومین جلسه از دورانیست، دویمای نگارگری - کار و قلمند نویسی و مطبوعات و تفتیح قوانین

در جلد سوم کتاب «خاطرات اسدالله علم» وزیر دربار در سال ۱۹۷۰، نخست وزیر سابق ایران و از وابستگان استعمار انگلیس، چنین می خوانیم که محمد رضا شاه از علم می پرسد: « آیا تاریخ، ما را (یعنی من را، از قول شاه) در رابطه با تجزیه بحرین خیانتکار خواهد نامید؟ » و علم پاسخ می دهد: « نه اعلیحضرت، ما (یعنی او، زاهدی وزیر امور خارجه و تنظیم کننده لایحه جدایی بحرین و انگلیس) ترتیبی دادیم که سازمان ملل، رأی بر جدایی بحرین دهد. » سخنان و بهانه های خیانت آمیز وزیر خارجه وقت که گویی از دهان یک خارجی ضد ایرانی گفته می شد، هرگز از خاطرات محو نخواهد شد اما داریوش همایون شوهر خواهر اردشیر زاهدی، پنج سال پیش از تجزیه غیر قانونی بحرین، طی نامه ای به امیرعباس هویدا، نخست وزیر می گوید: « بحرین صرفنظر از موقعیت استراتژیک خود در خلیج فارس هیچ امتیازی ندارد که مبارزه به خاطر دست یافتن بر آن را موجه سازد ... » در صورتیکه مجمع الجزایر بحرین مروارید جهان می باشد و دارای دومین مخزن نفت جهان است و از لحاظ آب و هوا بهشت واقعی روی زمین است.



نکته ای که بیش از هر چیز تأسف بار است این است که مثلث فساد علم، فرح و زاهدی، دربار شاهنشاهی ایران را به صورت فاحشه خانه ای بین المللی در آورده بودند، هرگاه سران فاسد رژیم های دیگر هوس عیاشی می کردند به دربار ایران می آمدند. از جمله زمانی که سلطان قابوس برای عیاشی به ایران آمد، شاه برای ضیافت رسمی وی از علم خواست که برنامه ریزی کند ولی زاهدی همراه با علم به او تذکر دادند: « او بدون همسرش به اینجا آمده فقط به این منظور که کمی به خودش برسد ». بعد از دو روز شاه از احوال سلطان پرسید، آنها گزارش دادند: « هر شب با تعداد چهار تا پنج خانم بیرون اقامتگاه ملاقات کرده بود. نمی توانیم شهادت دهیم بعداً چه اتفاقی افتاده بود، اما به هر صورت سلطان راضی به نظر می رسید ».

وی در زمانی که وزیر امور خارجه بود، مسافرت های متعددی به تنهایی با فرح دیبا به کشورهای دیگر انجام می دهد و پس از بر ملا شدن روابط نامشروع با فرح دیبا توسط شاه از وزارت امور خارجه خلع و با همیاری علم و دوستان انگلیسی

آمریکایی او به سفارت ایران در واشنگتن گمارده می شود و تا سال ۱۳۵۷ این پست را در اختیار داشته است. زاهدی که یکی از گماشتگان کمیسیون سه جانبه بود و با سران کمیسیون از جمله دیوید راکفر برای سرنگونی شاه در تماس بوده است.



اسناد ساواک نشان می دهد که در سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۸ اردشیر زاهدی به شدت در تلاش برای احراز پست نخست وزیری بوده است. او در میان مقامات انگلیسی، اسرائیلی و آمریکایی دوستان زیادی پیدا کرد و با بالاترین مقامات رفت و آمد داشت ولی هرگز به دلیل شیوه رفتار سبک و نحوه عمل او مورد تأیید برای احراز پست نخست وزیری نبود. اردشیر زاهدی نه تنها به صدارت نرسید بلکه رفتارش با فرح دیبا و گزارشات ساواک در مسافرت های به اصطلاح دیپلماتیک آن دو و نزدیکی بیش از حد آنها باعث اخراج او از پست وزارت خارجه در شهریورماه ۱۳۵۰ گردید. او در اسفندماه ۱۳۵۱ دوباره به سفارت در واشنگتن اعزام شد و در آنجا به عملکردهای سبک و عیاشی هایش ادامه داد. اردشیر زاهدی یکی از هرزه ترین نخبگان سیاسی و دولتمردان رژیم محمد رضا پهلوی بود و به این صفت نه تنها در میان خواص، بلکه در سطح جامعه نیز شهرت کافی داشت. در دی ماه ۱۳۵۶ دو هفته پس از مسافرت جیمی کارتر و همسرش رزالین به ایران وقتی فرح دیبا برای شرکت در جشن بیست و یکمین سال تأسیس انجمن آسیایی به نیویورک رفت و در هتل هیلتون اقامت داشت، همراه اردشیر



بود و سپس با او به واشنگتن می رود و مدت دو هفته در آنجا با هم بودند.

Ledeen Lewis. Debacl نویسنده آمریکایی در کتاب خود می نویسد: « ... شاه هرگز به اردشیر زاهدی اعتماد

کامل نداشت و پیوسته به وی مظنون و بدگمان بود که او ممکن است از برکناری پدرش که فریب به سه دهه قبل اتفاق افتاده بود در صدد انتقامجویی برآید ».



طی سال های سفارت وی در آمریکا و انگلیس، زاهدی یکی از چهره های خبرساز مطبوعات غرب محسوب می شد و بارها و بارها تصاویر و گزارش هایی از ریخت و پاش ها و هرزگی های وی در جراید کثیرالانتشار اروپا و آمریکا درج گردید. در این سال ها اردشیر زاهدی با کمیسیون سه جانبه آشنا می شود و به علت دشمنی با شاه با همیاری فرح دیبا کمیسیون سه جانبه را در مسیر براندازی شاه متقاعد می نماید.



شیوا رفیعی از پاریس



سازمان زنان مبارز ایران زمین